نیازمندی هوش پایه‌محور به کرسی و پایه ظهور

جلسه قبل یک تقسیم‌بندی‌ای را عرض کردم. در آخر جلسه هم گفتم دو مطلبی که مانده بود را عرض می‌کنم. بعد فرمودند این پایه‌محوری را که گفتی را بیشتر توضیح بده. همچنین فرمودند اعتدال مزاجی که در حدیث «ما تری من الفلسفه» آمده را توضیح بیشتری بده. اینها به هم مربوط است. انشاء الله اگر فرصتی شد، به اندازه‌ای که در توان من طلبه هست، مطالبی را عرض می‌کنم.

بحث سر این بود که ما انتظار آگاهی و فهم از هوش ضعیف نداریم. همین که عملکرد آن هوش‌یارانه باشد برای ما کافی است، ولو خودش نفهمد؛ این هوش ضعیف بود. هوش قوی، هوشی است که وقتی ما آن را به‌عنوان هوش قوی می‌پذیریم که از آن انتظار آگاهی، خودآگاهی و فهم داریم. اینجا بود که مخالفین و موافقینی بود؛ مفصل بحث شد.

عرض کردم در محدوده هوش قوی است که ما از آن انتظار آگاهی، فهم و قصد داریم...؛ قصدی که در فقه بر آن احکامی جاری می‌شود. در جلسه قبل عرض کردیم خیلی از مسائل فقهی، مبتنی بر قصد است. اما قصد، انواعی دارد و یک طیفی را تشکیل می‌دهد. اگر این طیف‌ها را بدانیم بعداً وقتی می‌خواهیم احکام فقهی آن را بررسی کنیم، در ذهن ما روشن‌تر است؛ انواع قصد و اینکه استظهار از دلیل فقهی، کدام یک از این انواع قصد است.

این تقسیم در اینجا مطرح می‌شود؛ در هوش قوی می‌گوییم دو جور هوش داریم؛ هوش اشراقمحور که این هوش از بیرون و عالم ماوراء، القاء و اشراق می‌شود و بعداً هم نسبت به خود نفس ناطقه حالت اضافه اشراقیه دارد. یک هوش هم هوشی است که پایه‌محور است، یعنی وقتی آن کرسی‌ای که می‌خواهد در آن ظهور کند، در عالم فیزیکی فراهم شد، ظهور می‌کند. این اصل حرف پایه‌محور است.

بازبینی #3
ایجاد شده 12 سپتامبر 2024 12:37:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 10:42:35 توسط ... .